

**A Study and Analysis of the Thought of Khair al-Din Tunisian
Civilization According to the book Aqum al-Masalak fi Maarefa
Ahwal al-Mamalak**

Ali Juma Fakuri¹ | Seyed Reza Mehdinejad²

Received: 2021/04/06 | Accepted: 2021/06/08

(DOI): 10.22034/MTE.2021.10368.1423

Original Article
P 75 - 100

Abstract

The backwardness and decline of Islamic societies is one of the important issues that many Muslim thinkers have addressed and offered solutions to overcome it. Khair al-Din al-Tunisi is one of the political thinkers who, considering the progress of Muslims and the decline of Europeans in the past on the one hand, observing the decline of Islamic societies and the progress of Europeans in his time on the other hand, has presented relatively different views on this issue. Aqum al-Masalak fi Maarefa Ahwal al-Mamalak »has been reflected, but so far these views have not been properly examined. The question is what is the way out of Islamic societies from the state of civilizational decline in the thought of Khair al-Din Tunisia? The present paper has been organized based on the above book to obtain the Tunisian solution by descriptive method. Findings show that he considers the way out of backwardness of Islamic societies to return to the legacy of Islamic civilization, practice the rule of interaction and adaptation of civilization, the establishment of a political system based on justice, freedom and salinity.

Keywords: Philadelphia, Civilization Thought, Political System, Justice, Freedom and Salinity.

1 - PhD Student in the History of Islamic Civilization of the Mustafa (PBUH) International Society, fakoori.bs@gmail.com

2 - . Assistant Professor Al-Mustafa International Society, sr_mahdinejad@miu.ac.ir

بررسی و تحلیل اندیشه تمدنی خیرالدین تونسلی بر اساس کتاب اقوم المسالک فی معرفه احوال الممالک

علی جمعه فکوری (نویسنده مسئول)^۱ سید رضا مهدی نژاد^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.10368.1423

تاریخ دریافت: ۴۰۰/۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۶/۱۸

علمی - پژوهشی

ص: ۱۰۰/۷۵

چکیده

عقب ماندگی و انحطاط جوامع اسلامی از موضوعات مهمی است که بسیاری از اندیشمندان مسلمان به آن پرداخته و راهکارهایی برای برون رفت از آن ارائه نموده‌اند. خیرالدین تونسلی از اندیشمندان سیاستمداری است که با مد نظر قرار دادن پیشرفت مسلمانان و انحطاط اروپائیان در گذشته از یکسو، مشاهده وضعیت انحطاط جوامع اسلامی و پیشرفت اروپائیان در عصر خویش از سوی دیگر، دیدگاه‌هایی نسبتاً متفاوتی در این زمینه ارائه نموده که عمدتاً در کتاب «اقوم المسالک فی معرفه احوال الممالک» بازتاب یافته اما تاکنون این دیدگاه‌ها آن گونه که باید بررسی نشده است. سؤال این است که راه برون رفت جوامع اسلامی از وضعیت انحطاط تمدنی در اندیشه خیرالدین تونسلی چیست؟ نوشتار حاضر برای بدست آوردن راهکار تونسلی با روش توصیفی، تحلیلی براساس کتاب فوق سامان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وی راه برون رفت جوامع اسلامی از عقب‌ماندگی را بازگشت به میراث تمدن اسلامی، عمل به قاعده تعامل و اقتباس تمدنی، تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر عدالت، آزادی و شوری می‌داند.

کلیدواژگان: خیرالدین تونسلی، اندیشه تمدنی، نظام سیاسی، عدالت، آزادی و شوری.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلامی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، fakoori.bs@gmail.com

۲. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، sr_mahdinejad@miu.ac.ir

مقدمه

خیرالدین تونسلی (۱۸۹۰-۱۸۲۲م) اصالتاً غیر عرب و از چرکس های اهل قفقاز بود. این که وی بر اثر هجرت، فتنه یا اسارت (امین، ۱۳۶۴ ق، ۳۶۵) به عنوان برده به سرزمین اسلامی آمده است، اختلاف دیده می شود. زندگی وی به سه دوره قابل تقسیم است. ۱. شش سال کودکی پیش از بردگی؛ ۲. یازده سال بردگی در خانه حسین بیگ در استانبول پایتخت عثمانی؛ ۳. حضور در قصر احمد بای (حک: ۱۸۵۵-۱۸۳۷) حاکم تونس، که این دوره، مهمترین بخش زندگی سیاسی، فرهنگی و نظامی خیرالدین است. آزادی از بردگی، فراگیری علوم دینی، زبان های فرانسه، ترکی و عربی، عضویت در ارتش و رسیدن به مقام جنرالی و تصدی وزارت جنگ (دریانوردی)، تاسیس مجلس شوری (۱۸۶۰) و ریاست آن، استعفا از ریاست مجلس و وزارت (۱۸۶۲)، و مهم ترین فعالیت ورخ دادهای زندگی وی قبل از تالیف کتاب است. این اتفاقات در زمانی رخ داد که وی در طرح دعوی مالی (شصت میلیون فرانک) محمود ابن عیاد ۱ بر علیه دولت ورشکسته تونس که تابعیت فرانسه را نیز دریافت نموده و از حمایت دولت فرانسه برخوردار شده بود حدود سه سال (۱۸۵۷-۱۸۵۳) در پاریس ماند، تا موفق شد این دعوا را به نفع دولت تونس به فیصله برساند که این موفقیت در موقعیت اجتماعی وی تأثیری به سزا گذاشت و در ۱۸۵۷ به رتبه جنرالی و مقام وزارت دریانوردی (جنگ) رسید. او که در مدت اقامت در پاریس با پیشرفت فرانسه آشنا گردیده و تفاوت جامعه فرانسه و تونس را به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آموزشی دریافته بود، راه نجات مردم تونس را اصلاح نظام سیاسی و تمرکززدایی قدرت و اصلاح نظام آموزشی تونس می دید و به همین منظور برای تحقق اصلاحات در تونس، مجلس شوری (۱۸۵۸) را تاسیس و تا ۱۸۶۱ ریاست آن را بر عهده داشت. در ۱۸۵۷ مدرسه صادقیه را با نصاب تعلیمی جدید تاسیس نمود و یکسال بعد (۱۸۵۹) مطبعه تونس را برای چاپ و نشر متون درسی و چاپ نشریه «الرائد الرسمي» که برای آوردن اصلاحات ضروری می دانیست بنیان نهاد. اما اصلاحات پیشنهادی به خصوص مطرح شدن

۱. پیشکار مصطفی خزانه دار وزیر داخله و دارایی تونس و وظیفه وی جمع آوری مالیات و خریداری نیازمندی های دولت و فرمانروا بوده است که از این طریق با همکاری مصطفی خزانه دار به دزدی و غارت اموال (هشتاد میلیون قرشی تونس) پرداخت و از ترس این که تحت تعقیب قرار نگیرد به فرانسه فرار و بعد از کسب تابعیت آنجا ادعا نمود که دولت تونس شصت میلیون فرانک از بابت خریداری اجناس دولتی به او بدهکار است (علیخانی (۱۳۹۰)، ج ۹: ۴۹-۵۰).

مجلس شورای، با مخالفت جدی گروه هایی از روحانیون کوتاه بین و عمدتاً دولت مردان که به فساد و ظلم عادت کرده بودند مواجه تا در سال ۱۸۶۲ از مقام ریاست مجلس و وزارت استعفا نمود. اکثر سفرهای وی به سایر کشورهای اروپای و تالیف کتاب در همین دوره اتفاق افتاد. بعد از تالیف کتاب (۱۸۶۷)، مجدداً به ریاست کمیسیون مالی تونس (۱۸۶۹)، وزیر مباشر (۱۸۷۰)، وزیر کبری به جای مصطفی خزانه دار (۱۸۷۳) تعیین گردید که اصلاحات در بخش های قضاء، وزارت خانه ها، کشاورزی، تجارت، اقتصاد، زندانیان، آموزش و... را روی دست گرفت اما بازهم به خاطر مخالفت گروه های داخلی یا تمایل او به انگلیسی ها در ۱۸۷۷ از ریاست کمیسیون مالی و وزارت کنار گذاشته شد. در ۱۸۷۸ به پایتخت خلافت عثمانی آمد و سلطان عبدالحمید الثانی (حک: ۱۸۷۶ - ۱۹۰۹ م) که قبلاً با افکار تونس از طریق مطالعه کتاب وی آشنا شده بود او را به مقام صدر اعظم خلافت عثمانی برگزید اما اصلاحات وی در مقرر خلافت نیز با مخالفت های عمدتاً قدرتمندان اطراف خلیفه رو برو گردید، سرانجام در ۱۸۷۹ از صدارت بر طرف و تافرار سیدن مرگش در آستانه با غربت گذراند. بررسی اندیشه های تمدنی این روشنفکر مسلمان از آن جهت اهمیت دارد که وی در برنامه اصلاحات به تجزیه، تحلیل و تطبیق میان گذشته و آینده، میان اروپا و اسلام [در گذشته و حال]، میان مدرنیته و عنصر دین توجه داشت. (جعیط، ۱۳۸۱، ۱۲۷) در باره شخصیت وی دیدگاه های گوناگونی ابراز شده است: «مصلح غرب گرا و شیفته توسعه فرهنگ و تمدن غرب که رسالت خود را در پوشش اسلامی پنهان می کرد» (اعلم، ۱۳۸۸، ۱۲)، «تمدن گرای عربگرا بود». (رنجبر، ۱۳۸۶: ۲۳) کتاب اقوم المسالک نشان دهنده آن است که دغدغه تونس ارائه راه حل برای برون رفت جوامع اسلامی از وضعیت بحرانی آن عصر بوده، اگرچه تا حدودی از پیشرفتهای اروپای آن زمان تاثیر پذیرفته است. برخی از نویسندگان عرب معتقدند، دیدگاه های وی به قدری غنی و ارزشمند است که باید به عنوان یک متن درسی برای مسلمانان تدریس شود. (علاء، ۲۰۱۵، ۲۲۳) نوشتار حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر مهم ترین اثر تونس «اقوم المسالک» انجام یافته است در نظر دارد به این پرسش پاسخ دهد که خیرالدین تونس چه راهکارهایی برای برون رفت جوامع اسلامی از انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان ارائه داده است؟ البته این تحقیق نه به صورت ترجمه لفظ به لفظ

بلکه استنباط نویسنده از مطاوی گفته های وی در اقوم المسالک است.

پیشینه

سمیر، ابو حمدان (۱۹۹۳) « خیرالدین تونسسی، ابوالنهیضه التونسیه (موسوعه عصر النهضه) ». سابایارد، نازک (۱۹۷۹) « الرّحالون العرب و حضاره الغرب فی النهضه العربیه الحدیثه » به بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی آن دسته از شخصیت های عرب (از جمله خیرالدین) پرداخته که به اروپا سفر نموده اند. قرنی، عزت (۱۳۷۷ق/ م ۱۹۴۰م) « العداله و الحریه فی فجر النهضه العربیه الحدیثه » به بررسی نظریات سه اندیشمند؛ رفاعه طه مطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳)، خیرالدین تونسسی (۱۸۲۵-۱۸۸۹م) و اسحاق ادیب (۱۸۶۵-۱۸۸۵م) پرداخته است. خضری عکاوی، رّحاب (۱۹۹۳) « السالک الی اقوم المسالک فی معرفه احوال الممالک »، شریف، محمد بن موسی (۲۰۱۴) « ابوالنهیضه التونسیه خیرالدین التونسی » (دو قسمت)، زینب ابراهیم (صفر ۱۴۱۰ق) « خیرالدین التونسی و "اقوم المسالک" للتمدن »، منیمه، محمد جمیل (۱۹۸۵) « صناعة القوة و الحضارة خیرالدین التونسی و کتابه "اقوم المسالک" »، عماره، محمد (رمضان ۱۴۲۱ق) « من أعلام الإسلام خیرالدین التونسی »، علی شورمان، محسن (۱۹۹۹) « اصلاح من أجل النهوض و التقدم: قراءة فی فکر خیرالدین التونسی: دعوة للإصلاح أم خطاب للنهضة و التحديث »، نیغر، مصطفی (ربیع و صیف ۱۴۱۳ق) « خیرالدین التونسی: حسن الإمارة أم دولة حديثة؟ »، قرنی، عزت (۱۹۸۰) « العدالة و الحریة عند خیرالدین التونسی »، م. ز. ناقد (جمادی الاخره ۱۳۶۴ق) « خیرالدین باشا التونسی »، امین، احمد (۵ جمادی الأولى ۱۳۶۴، ۱۲ جمادی الاولى ۱۳۶۴، ۱۹ جمادی الاولى ۱۳۶۴، ۲۶ جمادی الاولى ۱۳۶۴، ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۶۴ق) « خیرالدین باشا تونسسی »، صادقی، علی اصغر (۱۳۹۰) « خیرالدین تونسسی (۱۸۲۲-۱۸۹۱م) »، میر احمدی، منصور (آبان ۱۳۸۰) « پیشگامان اصلاح دینی و دموکراسی » ترجمه، هم چنین معرفی کوتاهی در دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۰)، ج ۱۶ نیز آمده و کسانی چون جرجی زیدان در « تاریخ آداب اللغة العربیه »، فهمی جدعان در « اساس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث »، محمد علی کردعلی در « الاسلام والحضاره العربیه » و محمد جواد صاحبی در « جنبش های فکری و دینی در جهان اسلامی معاصر » در باره وی مطالبی آورده است که عمدتاً در:

الف. معرفی شخصیت تونس‌سی، کودکی، بردگی، آوردن وی به ترکیه عثمانی و رفتن وی به تونس و بیشتر به شرح خدمات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی خیرالدین در تونس و خلافت عثمانی؛

ب. معرفی کتاب اقوام المسالک و برخی دیدگاه‌های که در باره تونس‌سی یا کتاب وی مطرح شده است (که البته نیازمند بررسی جدی و مستقل است). بنا بر این تا کنون کتاب یا مقاله‌ای مستقلی در بررسی اندیشه تمدنی تونس‌سی بر اساس کتاب «اقوام المسالک فی معرفه احوال الممالک» دیده نشده است و این نوشتار اولین اثر به زبان فارسی است که در بررسی اندیشه‌های وی با استنباط از گفته‌های ایشان در کتاب اقوام المسالک پرداخته است و به خوبی نشان داده می‌شود که تونس‌سی در ورطه غرب‌گرایی یا عرب‌گرایی گرفتار نگردیده بلکه دغدغه اصلی وی نجات جوامع اسلامی – بویژه جامعه تونس – از عقب ماندگی دوران خیرالدین بوده است که این موارد از چالش‌های اساسی جهان اسلام در دوره حاضر نیز به حساب می‌آیند.

کتاب اقوام المسالک و هدف از نگارش آن

کتاب «اقوام المسالک فی معرفه احوال الممالک» مهم‌ترین اثر تونس‌سی^۱ و حاصل سالها مطالعات تاریخی و مشاهدات وی از کشورهای اروپایی به شمار می‌رود. (نیغر، ۱۴۱۳ق: ۱۶) این کتاب به زبان عربی در دو جلد تألیف و پس از انتشار (۱۸۶۷) به زبانهای فرانسه، انگلیسی، ترکی و فارسی ترجمه شده است.^۲ هدف اصلی از نگارش این اثر، بررسی عوامل پیشرفت اروپا به منظور بهره‌گیری از این تجربه برای برون رفت جوامع اسلامی از انحطاط و عقب ماندگی تمدنی است. کتاب شامل یک مقدمه و متن گزارش است که مباحث تمدنی آن در مقدمه و مشاهدات وی از اروپا در متن آمده است. تونس‌سی، هدف خود از تألیف کتاب را

^۱ - آثار دیگروی عبارتند از: وصیه لابنائی (۱۸۸۰)، برنامجی (۱۸۷۷)، المشکله التونسیه (۱۸۷۷) و الرد علی الافتراءات (۱۸۷۷).

^۲ - نسخه خطی از ترجمه فارسی توسط میرزا حیدرعلی اصفهانی ملقب به فخرالادبا به صورت دیجیتالی موجود است که کتابت آن به خط فخرالدین شریف در دهم جمادی الاولی ۱۳۱۳ق پایان یافته است. (ترجمه فارسی (۱۳۱۳ق): ۵۳۰) جای تاسف است که ترجمه فارسی آن که بیش از صد و سی سال از آن می‌گذرد هنوز تکثیر چاپ نشده است.

چنین بر شمرده است:

۱. آگاه ساختن علما، اندیشمندان و سیاستمداران مسلمان نسبت به مسایلی که بر جهان اسلام و اروپا می‌گذرد و اقتباس آنچه برای پیشرفت جهان اسلام از اسباب تمدن؛ توسعه مراکز آموزشی - تربیتی، زراعت، تجارت، صنایع و... که مخالفت با شرع ندارد و برای جامعه اسلامی مفید است و نفی آن چه سبب بیکاری و هدر رفت سرمایه های جامعه اسلامی است. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۸)

۲. بیدار ساختن عوام مسلمانان از این خواب غفلت که «استفاده نکردن از پیشرفت علمی، صنعتی، اقتصادی، فنی و سیاسی تمدن غرب فقط به این دلیل که از ناحیه غیرمسلمانان بدست آمده خطای راهبردی است» و ترغیب آنان به لزوم استفاده از دست‌آوردهای اروپائیان برای پیشرفت جوامع اسلامی. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۸) در واقع هدف وی، ارائه راهکار برای برون رفت جوامع اسلامی از وضعیت انحطاط پیش آمده و تقویت آن در مقابل غرب است.

۲. مفهوم و مؤلفه های تمدن

خیرالدین تونسلی درباره ماهیت و چیستی تمدن تعریف روشنی ارائه نکرده است، اما از مجموع مباحث وی می‌توان دریافت که وی تمدن را بیشتر به معنای پیشرفت و توسعه می‌داند. برداشت وی از تمدن، ناظر به تمدن پیشین اسلامی و همچنین تمدن غرب و واقعیت‌های موجود در اروپای قرن نوزدهم میلادی بوده است. نظام سیاسی، عدالت، آزادی، شوری، امنیت و دانش را می‌توان به عنوان مهمترین ارکان تمدن از نگاه وی به شمار آورد. تونسلی برای دستیابی به تمدن، نهادینه شدن عدالت، آزادی و شوری را لازم می‌داند. البته این مهم تنها از طریق نظام سیاسی به سامان می‌رسد و به همین دلیل می‌توان گفت در اندیشه وی نظام سیاسی رکن محوری و اساسی تمدن است و قوام ارکان دیگر به آن بستگی دارد. برخلاف ابن خلدون و ویل دورانت، تونسلی، جغرافیا و اقلیم را در تمدن غرب دخیل نمی‌داند؛ چرا که به گفته وی برخی ممالک دیگر نیز همان اقلیم و آب و هوای اروپا یا بهتر از آن را داشته‌اند، اما به هیچ پیشرفت و تمدنی دست نیافته‌اند. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۴)

۳. رابطه اسلام و تمدن (دین و تمدن)

اشاره به رویکرد و تعیین قلمرو دین از سوی خیرالدین از آن جهت حایز اهمیت است که اولاً: در رویکرد تونسسی به دین، رابطه دین و تمدن چگونه است؟ ثانیاً: با در نظر داشت این که خصیصه اصلی رویکرد غرب و غرب گرایی، نادیده گرفتن کارکرد اجتماعی دین و به حاشیه راندن آن از حیات اجتماعی است (زند، ۱۳۸۰، ۱۴)، آیا نسبت دادن غرب گرایی به خیرالدین که در برخی نوشته ها دیده می شود، درست است یا نه؟ در نگاه تونسسی اسلام نه تنها مخالفتی با پیشرفت و تمدن ندارد بلکه برای دست یافتن به پیشرفت و تمدن در کنار جامعه؛ انتظام امور جامعه^۱؛ حضور عالمان دینی و آگاهان سیاسی (به امور داخلی و بین المللی) را لازم می داند (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۶) و می گوید: پیشرفت علمی و مسلمانان در گذشته زمانی بدست آمد که: ۱. شریعت نافذ بود؛ ۲. والیان مقید به مراعات احکام شرع بودند؛ ۳. اندیشه غالب در میان مسلمانان آن بود که اسلام هیچ مخالفتی با تاسیس نظام سیاسی که موجب تقویت اسباب تمدن و عمران به حساب می آید، ندارد. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۷) و برخی نویسندگان غربی نیز به پیشی گرفتن مسلمانان در رسیدن به پیشرفت و عمران نسبت به اروپائیان اشاره (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۷ و ۱۲۲) و گفته اند که مسلمانان به لحاظ درک عقلایی بهتر از امت های دیگر بوده اند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۹-۱۳۰) بنابراین مسلمانان می توانند با رجوع به میراث باقی مانده از تمدن اسلامی، احترام به آزادی اندیشه و اقتدا به سیره سلف در تلاش برای توسعه علم و دانش، به پیشرفت و تمدن دست یابند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۱) تونسسی، البته دین مسیح را باعث تمدن و پیشرفت اروپا نمی داند، چون در دین مسیح علی رغم تاکید بر اجرای عدالت و مساوات از سوی حاکمان، از دخالت در امور سیاسی به شدت اجتناب و اساس آن بر زهد و گوشه گیری است که حضرت عیسی پیروانش را از دخالت در امور سیاسی مربوط به حاکمان منع نموده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۴) در مقابل دین اسلام را متکفل مصالح دنیا و آخرت (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۴) و دخالت علمای دینی در امور سیاسی را از باب «شوری» (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۶) یا تغییر منکرات (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۸) نه تنها لازم بلکه می گوید اساس دولت و حکومت در اسلام بر شریعت بنا شده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م،

۱. ویل دورانت از آن به نظم اجتماعی یاد نموده است. (تاریخ تمدن، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶)

ج ۱: ۱۳۵) به باور خیرالدین، عدالت و آزادی که دو مقوله اساسی برای قدرت و یکپارچگی در همه جوامع بشری به حساب می آیند، در دین اسلام به عنوان دو اصل به آن ها تاکید شده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۳) به اعتقاد وی غریزه آزادی و تلاش که منشأ هر دستاوردی جدیدی به حساب می آیند در دین اسلام مورد تاکید قرار گرفته، اما در میان اروپائیان این دو غریزه فقط با تنظیم سیاسی و تصویب قوانین تحقق یافته است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۱) وی می گوید، پیشرفت فقط با همت و تلاش دست یافتنی است و بدلیل بی همتی و ناامیدی مردمان آسیا و آفریقا است که بسیاری از زمین های مساعد کشاورزی آنان به صورت بایر و بدون استفاده باقی مانده است. البته بدون شک دشمنان و رقبای اقتصادی نیز در نا امید ساختن مردمان آسیا و آفریقا نقش داشته اند، چون هر چه میزان ناامیدی برای آبادی مملکت در میان مردم افزایش یابد، کوششی در راه آبادانی آن انجام نخواهد گرفت و کشور به نابودی و اضمحلال کشیده خواهد شد. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۳) تونسسی مطابقت با دین را در مواردی که نص شرعی وجود ندارد، اما انجام آن برای انتظام و سامان بخشیدن جامعه لازم است، عمل به ضابطه «رعایت مصلحت جامعه اسلامی» می داند و می گوید: در چنین مواردی هر چند دلیل عینی و تفصیلی بر جواز انجام این امور از سوی شارع موجود نیست، اما باید بدانیم که هیچ نهی هم از سوی شارع صورت نگرفته است، بنابراین در چنین مواردی ضابطه «اقتضای مصلحت امت اسلامی» به عنوان دلیل اجمالی، اقتضای جواز انجام این امور را برای بهبود بخشیدن به وضعیت امت اسلامی دارد. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۶) تونسسی علایق شخصی را در سنجش رابطه دین و تمدن راهکار مناسبی نمی داند، بلکه برای تشخیص مصالح و دفع ضرر از جامعه اسلامی همکاری عالمان دینی و آگاهان سیاسی به امور داخلی و خارجی که مصلحت و مفسده امت اسلامی را تشخیص نمایند لازم می داند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۶) وی روایات «المؤمن للمؤمن کالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضاً»^۱ و «المؤمنون کالجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد»^۲ را به عنوان پشتوانه روایی تایید مدعی خویش آورده (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۶)، همکاری علما به عنوان مفسران و متولیان دین در سیاست و همکاری آنان با نخبگان سیاسی را از مهم ترین واجبات شرعی می داند که اساسا اداره

۱. «المؤمنون کالبنيان يشد بعضه بعضاً» (رضی، ۱۳۸۰: ۲۶۲). «المؤمن للمؤمن کالبنيان يشد بعضه بعضاً» (قضاء، ۱۳۶۱: ۴۷).

۲. «المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد إذا سقط منه شيء تداعى سائر الجسد» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۳۸).

شرعی و دینی جامعه به این همکاری بستگی دارد. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۷) چه این که افراط و دوری گزیدن علما از امور اجتماعی و سیاسی باعث تضییع حقوق مردم، تعطیلی حدود الهی، یاری اهل فساد و تفریط نیز باعث خروج از دایره قانون الهی و گرفتار شدن جامعه به انواع ظلم است. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۸) در اندیشه تمدنی تونس علمی علما به لحاظ شرعی و عقلی نمی توانند در دینداری مردم سختی و تکلف ایجاد یا به خاطر خواسته های شخصی و هواهای نفسانی به اقوال ضعیف تمسک نموده و نصوص دینی را برخلاف آن چه اراده گردیده توجیه نمایند. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۷)

۴. راههای برون رفت از عقب ماندگی و انحطاط تمدنی

خیرالدین عوامل پیشرفت مسلمانان را در زمینه های مختلف علمی، نظامی و اقتصادی در گذشته: عدالت؛ اجتماع کلمه؛ وحدت جوامع اسلامی؛ اهتمام به فراگیری دانش و صنعت (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۲)؛ حسن تدبیر؛ عدالت امرای مسلمان؛ پای بندی آنان به اصول شرعی و البته جلب رضایت پروردگار از راه آباد ساختن زمین می داند (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۰) در مقابل عواملی را برای عقب ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی بیان نموده که مهم ترین آن ها عبارتند از: از میان رفتن قاعده انتخاب شوری و اهل حل و عقد؛ نادیده گرفتن و چه بسا درست نفهمیدن احکام شرع در رعایت مصالح مملکت و رعیت؛ نادیده گرفتن قانون اساسی؛ اولویت دادن منافع شخصی حاکمان بر مصالح عالیه مملکت و رعیت؛ اختلافات و تفرقه در میان مسلمانان. اما در این که راه برون رفت امت اسلامی از این انحطاط و عقب ماندگی پیش آمده چیست؟ وی بر بازگشت به میراث به جامانده از تمدن اسلامی، تعامل با تمدن های جدید، فراگیری دانش و فنون، تامین امنیت، نهادینه شدن عدالت و آزادی، تشکیل شوری و البته بیش از همه به ضرورت تشکیل نهاد سیاسی به عنوان رکن محوری تاکید نموده است که تحقق عوامل دیگر به آن بستگی دارد.

۴/۱. بازگشت به میراث تمدن اسلامی

بازگشت به میراث، به معنای بازگرداندن عقربه های زمان به گذشته یا برگرداندن جامعه اسلامی به تمدن گذشته نیست، بلکه بازگشت به آن جایگاهی است که تمدن ساز شده و می تواند منشأ شکل گیری تمدن در شرایط جدید گردد. رجوع به میراث علمی به جامانده از

تمدن اسلامی پیشین و مهم تر از آن بازگشت و اقتدا به سیره مسلمانان و نظام سیاسی در احترام به آزادی، تلاش و حسن تدبیر است که زمینه شکوفایی تمدن اسلامی را در گذشته مهیا نموده (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۱) و بدون تردید تامین آن جایگاه دست یابی به پیشرفت و تمدن را برای جوامع اسلامی میسر خواهد ساخت.

۴/۲. عمل به قاعده تعامل تمدنی

تونسلی ملت ها را در میدان مسابقه ای می داند که هدف آن دست یابی به پیشرفت و تمدن است. مهم ترین نکته برای برنده شدن در این مسابقه، فهم قاعده آن است. این قاعده مهم «ضرورت شناخت و اقتباس از تمدن های مجاور است». او می گوید جهان در اثر پیشرفت وسایل ارتباطی مانند یک دهکده است که در آن ملل مختلف زندگی می کنند و تعامل و اقتباس از تمدن های مجاور، بیش از هر زمانی دیگری اجتناب ناپذیر می نماید. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۴) اگر مسلمانان به این قاعده عمل نکنند به تولید صنعت که یک بخش کلیدی در اقتصاد است دست پیدا نمی کنند، مصداق بارز آن مردم تونس است که مجبور به خام فروشی مواد اولیه به تاجران اروپایی و خریداری محصولات صنعتی همان مواد به قیمت های گزاف از تاجران آنان شده اند و بدین ترتیب سود بدست آمده از این تجارت همیشه به نفع اروپائیان و زیان آن نصیب مسلمانان است که در نتیجه ممالک اسلامی خراب و به لحاظ سیاسی ضعیف و وابسته به اروپائیان خواهد ماند. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۱) به عقیده وی عامل اصلی پیشرفت اروپائیان عمل به قاعده مذکور بوده است. وی می گوید ملل اروپایی که امروزه به پیشرفت و تمدن دست یافته اند، در گذشته چنین نبودند؛ بلکه وضعیت آنان بسیار بدتر از وضع فعلی مسلمانان بوده (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۱)، اندیشمندان و مراکز علمی و پژوهشی غرب به اخذ و اقتباس علمی از مسلمانان روی آوردند و به این پیشرفت و تمدن رسیدند و منطقی نیست که مسلمانان از فراگیری مظاهر تمدنی غرب که مخالفتی با شرع ندارد، صرفاً به این دلیل که ساخته غیرمسلمانان است خود داری نمایند. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۹) تونسلی با تاکید بر کنار گذاشتن افراط و تفریط در اخذ و اقتباس تمدنی رعایت دو شرط را ضروری می داند: نخست آنکه مناسب حال مسلمانان باشد و دوم آنکه با شرع مقدس مخالفت نداشته باشد. (تونسلی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۷) تعامل تمدنی در نگاه تونسلی برای دست یابی به صنعت، تکنولوژی و دانش غرب است نه این که جوامع اسلامی به بازار مصرف کالاهای

اروپایی به خصوص صنایع نظامی آنان بدل شود. چه این که وی این نگرش را شدیداً نکوهش و باعث وابستگی و ضعف مسلمانان می داند که هم نشان دهنده عقب ماندگی علمی و فنی جوامع اسلامی است، و هم موجب می گردد کشورهای اسلامی که عمدتاً مواد اولیه را در اختیار دارند، به اصل مهم تولید و فرآوری صنعتی دست نیافته و مجبور می شوند به خام فروشی مواد اولیه رو آورند. بدین ترتیب تراز واردات و صادرات، نامتعادل و با افزایش واردات و پائین بودن قیمت صادرات (آنهم مواد اولیه) اقتصاد مسلمانان دچار آسیب و پیشرفت و آبادانی در ممالک اسلامی رخ ندهد. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۱) بنابر این سخن اصلی تونسی آن است که مسلمانان باید دانش، صنعت، تکنولوژی را از غرب بگیرند و مهم تر از همه مانند اروپائیان به تشکیل نظام سازی سیاسی مبتنی بر عدالت اقدام نمایند. به همین دلیل می گوید چگونه ممکن است مسلمانان بدون پیشرفت علمی و دست یابی به اسباب عمران و تمدن که فعلاً در اختیار غرب است به پیشرفت نایل آیند؟ و مهم تر از آن آیا دست یابی مسلمانان به پیشرفت و تمدن بدون تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر عدالت و آزادی میسر است؟ (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۲-۱۰۳) تونسی با نگاه جامع به مخاطرات و عواقب عقب ماندگی مسلمانان، به ضرورت فراگیری دانش و فنون از دیگران تاکید نموده (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۲) و در این زمینه به برخی احادیث نبوی و سیره علمای سلف استناد نموده است. برای نمونه، گفتار پیامبر (ص) «وَالْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ يَأْخُذُهَا حَيْثُ وَجَدَهَا» و رفتار آن حضرت در پذیرش مشورت سلمان فارسی برای حفر خندق نشان دهنده آن است که دین اسلام مخالفتی با استفاده از دست آوردهای عقلانی و تجربی بشر که مطابق مصلحت زندگی انسانی باشد، ندارد (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۹). چه این که طبق سخن حضرت علی (ع) میزان شناخت حقایق، اشخاص نیست بلکه حقایق معیار شناخت افراد است «فليس بالرجال يعرف الحق بل بالحق تعرف الرجال» (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۹) و این کلام حضرت «لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ»^۲ اختصاص به سخن ندارد بلکه شامل گفتار، رفتار و دست آوردهای فنی و فکری نیز می گردد. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۰) کلام پیامبر (ص) خطاب به

۱. اصل روایت «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۶۷).

۲. «لَا يُعْرِفُ الْحَقُّ بِالرِّجَالِ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۱۳۶).

۳. لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۱۷ آورده است.

عاصم بن ثابت (م ۴ق) انصاری «من قاتل فلیقاتل کما یقاتل»^۱ تنها در زمینه نظامی و جنگی نیست، بلکه دلیل روشن و صریح بر ضرورت تجهیز و تقویت کشورهای اسلامی در همه زمینه های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است تا مسلمانان بتوانند درجنگ نظامی با آلات پیشرفته نظامی و جنگ اقتصادی با تجارت و اقتصاد پیشرفته و جنگ فرهنگی و سیاسی با فرهنگ و نظام قدرتمند با دشمنان اسلام مقابله نمایند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۲) بنا بر این عقلا و آگاهان هر جامعه ای از دست آوردهای قولی و عملی دیگران در صورتی که مصلحت دنیوی ایجاب نماید، پیروی خواهد کرد؛ فرقی ندارد که صاحب آن گفتار یا رفتار اهل حق باشد یا نباشد (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۹). وی به موارد دیگری از سخن و سیره خلفا استناد نموده که نشان دهنده ضرورت تعامل و اقتباس مسلمانان از پیشرفت های علمی و فنی غیرمسلمانان است و اصولاً رقابت و مقاومت در برابر غرب، بدون دست یابی به دانش و فناوری که آن ها در اختیار دارند یا بهتر از آن، امکان پذیر نیست. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۳) تونسسی معتقد است، استفاده از دست آوردهای علمی غیر مسلمانان که مخالفتی با دین نداشته، در میان علمای سلف نیز رایج بوده است، چنان که مسلمانان علم منطق را به عنوان آلات نفعه از یونانیان غیر مسلمان اخذ نمودند و بعد ها غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق) در اهمیت آن گفت «من لا معرفة له بالمنطق لا یوثق بعلمه» (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۰). شیخ غرناطی (م ۸۹۷ق) مفتی مالکی نیز در کتاب سنن المہتدین فی مقامات الدین گفته است: «إنَّ ما نهینا عنه من أعمال غیرنا هو ما کان علی خلاف مقتضی شرعنا، أمّا ما فعلوه علی وفق النذب أو الإیجاب أو الإباحة فإنّنا لا نترکه لأجل تعاطیهم إیّاه لأنّ الشرع لم ینه عن التشبّه بمن یفعل ما أذن الله فیه». (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۰). بنا بر این از نگاه تونسسی دین اسلام نه تنها مخالفتی با تعامل تمدن ها ندارد، بلکه لازم است مسلمانان در احیای تمدن اسلامی از تجربیات سیاسی و دست آوردهای علمی، فکری، فنی، صنعتی غرب که مخالفتی با شرع نداشته باشد، استفاده نمایند، چون جامعه اسلامی برای از میان بردن فتنه ها، رفع مشکلات [صحی، اقتصادی، سیاسی و نظامی]، بهره برداری از منابع طبیعی و بیش از هر زمانی دیگری به فراگیری این علوم و فنون ضرورت دارند. به لحاظ تاریخی نیز تمدن عربی اسلامی بعد از فتوحات، نهضت ترجمه و آشنای مسلمانان با فرهنگ و دست آوردهای ملل دیگر یعنی اقتباس تمدنی بدست

^۱ . (اصل روایت در منابع روایی «من قاتل فلیقاتل» آمده است. طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۳۴).

آمده (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۹-۱۳۰) و حدیث «الحکمة ضالة المؤمن يأخذها حيث وجدها» (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۹) موید این مطلب است.

۴/۳. اصلاح نظام سیاسی

تمدن پژوهان به نقش نظام سیاسی در تمدن تاکید نموده چنان که ویل دورانت سازمان سیاسی را یکی از ارکان اصلی تمدن به حساب آورده است. (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱: ۳) تونسسی نیز بر اصلاح نظام سیاسی (حسن امارت) به عنوان مهم ترین رکن تمدن مبتنی بر سه مؤلفه عدالت، آزادی و شوری تاکید نموده است. از نظر تونسسی نظام سیاسی که ستون اصلی آن عدالت و شوری باشد، درک سیاسی و قدرت تشخیص مصلحت های فردی و جمعی مردم را افزایش می دهد، وضعیت اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی آنان را بهبود می بخشد و باعث جوانه زدن ریشه های وطن دوستی در میان مردم خواهد شد (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۰). وی معتقد است پیشرفت جامعه با حمایت نظام سیاسی پدید می آید که بر اساس عدالت شکل گرفته باشد. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۰) وی از آن جهت به اصلاح نظام سیاسی تاکید نموده است که پیشرفت و تمدن (به خصوص مادی) ارتباط مستقیم با چگونگی عملکرد زعیم سیاسی دارد که آگاهی و احترام به تشکیل نظام سیاسی براساس عدالت، شناخت و به کار گماردن افراد متعهد جزء اولیه آن است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۰) آن چه از ملوک انتظار می رود حل و فصل امور شخصی و جزئی نیست بلکه نظارت بر امور کلان مملکت است مانند: شناخت و نصب افراد لایق در پست های حکومتی، امتحان و نظارت بر مدیران و کارمندان به منظور تشویق یا تنبیه، رسیدگی به حال مردم، کمک به صنایع، علوم، توجه به نیروهای نظامی دریایی و زمینی، حفاظت از دین و سرزمین با ایجاد موانع و نیروی نظامی قوی در مرزها، اصلاح روابط با کشورهای خارجی به گونه ای که باعث عزت و پیشرفت اقتصاد جامعه اسلامی گردد. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۰) تونسسی منشا اصلی پیشرفت علمی و صنعتی اروپا را نظام سیاسی مبتنی بر عدالت می داند و می گوید توسعه اقتصادی (زراعت)، تجارت و استخراج منابع زیر زمینی در اروپا با نهادینه شدن امنیت و عدالت بدست آمده است (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) که هر دو از وظایف اصلی نظام سیاسی شمرده می شود. به گفته وی عدالت در احیای تمدن اسلامی ضروری اما تحقق عدالت در جامعه و حتی اجرای دستورات دینی با نظام سیاسی و حکومت است.

تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۴) به همین دلیل نظام سیاسی به لحاظ اجرایی نهاد بنیادی در اندیشه خیرالدین تونسسی به حساب می آید، چون آن چه باعث امنیت، ایجاد شوق، انگیزه، و درستکاری در جامعه اروپا شده است نظام سیاسی (امارت) مبتنی بر عدالت سیاسی است (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۸) که زمینه پیشرفت و تمدن را برای مردم اروپا فراهم نموده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) بنا براین تا نظام سیاسی که مجری عدالت است اصلاح نگردد و مبتنی بر عدالت در جامعه شکل نگیرد، عمران، آبادانی و تمدن در جامعه محقق نخواهد شد. تونسسی در پیشرفت و تمدن اروپا به نقش علم و دانش تاکید نموده، اما معتقد است دست آوردهای علمی اروپا نیز در نتیجه تنظیم سیاسی بر اساس عدالت و آزادی بوده که امنیت را برای مردم فراهم نموده است (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۴-۱۰۵). بر این اساس وی خطاب به علما و اندیشمندان مسلمان می گوید: تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر عدالت و آزادی که امنیت، دانش و تمدن را بدنبال بیاورد به خودی خود مطلوب هر فرد و جامعه ای است و نباید هیچ مسلمان عاقلی با اوهام و احتیاط های بی مورد خود را از این موهبت مهم محروم نماید (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۲). در نگاه تونسسی التزام به اصلاح تنظیم سیاسی لازم است، اما آسان نیست و ممکن است با مخالفت های جدی از سوی برخی دولتمردان و دیگر مسلمانان رو برو گردد. چنان که اجرای اصلاحات در خلافت عثمانی با مخالفت کلی مواجه و موجب اضطراب در قلمرو عثمانی گردید و عامل اصلی آن کارگزاران مسلمانی بودند که به تصرف خود خواهانه و بدون حساب رسی عادت کرده و منافع شان را با اجرای این اصلاحات در خطر می دیدند. آنان مردم را به شورش و مخالفت وادار و حتی اصلاحات را به عنوان اقدامات مخالف شرع قلمداد نموده (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۳۸) و برخی ممالک اروپایی نیز که بدنبال بی اثر ساختن برنامه اصلاحات و پیشرفت کشورهای اسلامی بودند، از آن ها حمایت می کردند. اما دولت عثمانی در برخورد با اعتراضات، به استبداد روی نیاورد و از این فرصت برای سرکوب مردم استفاده نکرد بلکه با کمک شیخ الاسلام عارف بیگ (۱۲۷۵-۱۲۰۱ق) به عنوان مبلغ حامی اصلاحات برای فرونشاندن خشم مردم به روشن گری پرداخت که اصلاحات نه تنها هیچ مخالفتی با شریعت اسلامی ندارد بلکه برای احیاء احکام سیاسی شریعت، بهبود وضع اداری مملکت، حفظ حقوق (جان، مال و ناموس) مردم، کوتاه نمودن دست والیان ظالم از سرنوشت مردم و لازم است، مردم نیز با تبعیت از دولت مرکزی به اصلاحات اساسی آن دوره جامعه عمل پوشاند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۳۸-)

۴/۴. شوری و نظام سیاسی

شوری « اهل حل و عقد » به عنوان عصاره اجماع امت، یکی از راههای مشروعیت زعامت سیاسی یا انعقاد امامت در میان علمای اهل سنت است (فخر رازی، بی تا، ۴۲۶. ایجی، بی تا، ۳۰۸) چنان که ابن عربی (م ۵۴۳ هـ) گفته است « المشاورة أصل في الدين و سنة الله في العالمين و هي حق على عامة الخليفة من الرسول إلى أئمة الخلق ». (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۰۶) دیدگاه خیرالدین تونسسی در مورد کارکرد شوری اهل حل و عقد با دیگر اندیشمندان اهل سنت تفاوت دارد. وی می گوید از موارد اجماعی در میان مسلمانان وجوب تغییر از منکر است و از طرفی ظلم حاکمان را از مصادیق منکر به حساب آورده و با توجه به کلام علی (ع) « لا صواب مع ترك المشاورة ». (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۰۷)، « شوری » را یک واجب کفایی « نهاد نهی از منکر » به حساب آورده که رسالت اصلی آن نظارت بر عملکرد ملوک و جلوگیری از ظلم و استبداد آنان است (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۹۲) چه این که در اندیشه وی پایداری هیچ حاکمیت و مملکتی بدون تغییر از منکر (ظلم حاکم) امکان پذیر نیست. (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۰۷) و تجربه نشان داده است مطلق العنان بودن سلاطین و فرمانروایان در هر نظامی (دینی یا غیر دینی)، ظلم آنان را در پی داشته است، چرا که طبیعت بشر اینگونه است؛ چنان که حاکمان کشورهای اروپایی در گذشته بدلیل پای بند بودن به قانون عقلی بشری و نداشتن قانون شرعی به ظلم و استبداد روی آورده بودند و برخی حاکمان کشورهای اسلامی امروزی نیز به استبداد رای دچار شده اند. (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۰۶) تونسسی علت اضمحلال بعضی کشورهای اروپایی در گذشته را قدرت مطلقه شاهان و حاکمان آن کشورها و در عین حال علت پیشرفت علمی و تمدنی مسلمانان را در آن زمان پابندی والیان و حاکمان مسلمان به اصول و قوانین شرعی مانند مخالفت با هوای نفس، حمایت از حقوق مردم (مسلمان و غیرمسلمان)، رعایت مصالح زمان و مکان و اولویت مبارزه با مفاسد می داند، البته مهم ترین این اصول با عنایت به دستور خداوند^۱ به پیامبر (ص) اهتمام به اصل مشوره است. (تونس، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۰۶) اساسا دستور مشاوره

^۱. اشاره به آیه ۱۵۹ از سوره آل عمران.

به پیامبر اسلام (ص) برای آن بوده است که این اصل به عنوان یک سنت ضروری و لازم از سوی حاکمان مسلمان بعد از پیامبر اسلام رعایت گردد وگرنه مقام عالی پیامبر بدلیل اتصال به منبع وحی و برخورداری از سایر کمالات انسانی اصلاً نیازی به این مشورت‌ها نداشت. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶) در نگاه خیرالدین هدف و کارکرد پارلمان در اروپا و شوری در جوامع اسلامی یکی است، هردو برای اصلاح رفتار و جلوگیری از ظلم و استبداد حاکمان است، هر چند که شیوه رسیدن به این هدف در هر کدام فرق می‌کند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۸) ممکن است حاکمی با همکاری وزرای دلسوز و متعهد بدون حضور «شوری» بتواند بدرستی مسئولیتش را به خوبی انجام دهد اما این از موارد نادر است و نمی‌توان ضرورت تشکیل «شوری» را نادیده گرفت (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۹) چه این که وزیر بدلیل این که از سوی حاکم انتخاب می‌گردد و فقدان پشتوانه ای اجرایی است نمی‌تواند در اجرای اصلاحات با خواسته‌ها، سیاست‌ها و چه بسا دسیسه‌ها و دشمنی‌های حاکم و اطرافیان وی مخالفت و احتمالاً مجبور به استعفا و کناره‌گیری از قدرت شود^۱، درحالی که شوری بدلیل ترکیب از علما و وزرا دارای پشتوانه دینی و مردمی است و می‌تواند اصلاحات را به انجام و از ظلم، استبداد و فساد حاکمان یا اطرافیان آنان به خوبی جلوگیری نمایند. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۱۱-۱۱۰) خیرالدین در ترکیب شوری حضور علما و آگاهان سیاسی (وزرا) را ضروری می‌داند؛ علما به امر به معروف و نهی از منکر، وزرا نیز به مصالح عمومی سیاسی ممالک اسلامی، منطقه و جهان اشراف دارند، البته شوری در اسلام از آن جهت که مبنای شرعی وجوب مشورت و وجوب تغییر منکر دارد موقف علما و وزرا (شوری) محکم تر و قوی تر از وکلا (پارلمان) در غرب است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۳۵). بنا بر این خیرالدین تونسسی می‌گوید مشارکت علما با آگاهان سیاسی برای تامین مصالح و دفع مفاسد از جامعه اسلامی از مهم ترین ضروریات و واجبات شرعی به حساب می‌آید (تونسسی، ج ۱: ۱۴۷) چون اغلب والیان بدلائیل مختلف از اجرای سیاست مطابق شرع ناتوان اند، و اداره احکام شرعی همان گونه که نیازمند آگاهی به نصوص شرعی است نیازمند آگاهی به شرایط زمان و مکان نیز می‌باشد، و اگر عالمان در چنین شرایطی عزلت و دوری از سیاست

^۱ . وی می‌گوید آن چه به عنوان وظیفه وطن پرستی و لزوم اطاعت از حاکم ایجاب می‌نماید این است که وزیر با مصلحت اندیشی بتواند جلب مصلحت و دفع مفسده نماید. اگر این امور را نتواند، بودن در کنار حاکم همکاری و همفکری با نظام فاسد، خیانت به حساب می‌آید (ج ۱: ۱۱۲).

را پیشه کنند، درک درستی از وضعیت و شرایط جامعه بدست نخواهد آورد و از سوی دیگر، دست والیان را به ظلم و استبداد باز خواهد گذاشت، پس برای اینکه عالمان آگاهی به شرایط زمان و مکان حاصل کنند و از سوی جلو ظلم و استبداد حاکمان را بگیرند، مشارکت شان در سیاست واجب است. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۷)

۴/۵. عدالت سیاسی و پیشرفت

در اندیشه خیرالدین تونسسی عدالت یک واژه کلیدی در ایجاد و احیاء هر تمدنی از جمله تمدن اسلامی به حساب آمده و از همان آغاز کتاب هر نوع آبادی و عمران (تمدن) را نتیجه عدالت دانسته است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۹۳) تونسسی در هر جای از کتاب که سخن از پیشرفت و تمدن غرب به میان آورده به عدالت به عنوان یک مفهوم بنیادی تاکید نموده است. چه این که به گفته تونسسی سنت خداوند بر آن قرار گرفته است که عدالت حاکم باعث توسعه اقتصادی، افزایش نفوس و حاصلات و ثمرات در جامعه، از میان رفتن عدالت باعث ضعف اقتصادی، کاهش نفوس و حاصلات کشاورزی (اقتصاد) خواهد شد، همان گونه که رسول خدا (ص) فرموده است: «العدل عزّ الدین و به صلاح السلطان و قوّة الخاصّ و العامّ و به أمن الرعیّة و غیرهم» (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) در میان فارسی زبانان ضرب المثل است که: «الملک أساس و العدل حارس». فما لم یکن له أساس فمهدوم و ما لم یکن له حارس فضائع^۱. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) تونسسی به نقش عدالت در کارکرد نظام سیاسی، دست یابی به دانش اقتصاد و تجارت و استخراج منابع طبیعی زیر زمینی تاکید نموده می گوید علت اصلی پیشرفت اروپائیان تامین عدالت و امنیت بوده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) در این که مفهوم عدالت چیست و خیرالدین تونسسی چه تعریفی از آن داشته است، توضیح روشنی در کتاب اقوم المسالک دیده نمی شود، اما از این که به دیدگاه غزالی (۵۰۵-۴۵۰ق) و ابن خلدون (...) اشاره نموده می توان دریافت که منظور وی از عدالت، عدالت در برابر ظلم است. غزالی می گوید: «إنّ ولیّ الأمر یحتاج إلى ألف خطّة و کلاًّها مجموعة من خصلتین، إذا عمل بهما کان عادلاً، و هما: عمران البلاد، وأمن

^۱. این حدیث به صورت فوق در منابع دیجیتالی یافت نشد. اما «العدلُ أساسُ بهِ قِوَامُ الْعَالَمِ» مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۸۳ آمده است.

^۲. این ضرب المثل را غزالی در الاقتصاد فی الاعتقاد ص ۹۹ آورده است (به نقل از فیرحی، ۱۳۸۱: ۹۶).

العباد». (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۵) ابن خلدون نیز ظلم را باعث خرابی و از میان رفتن عمران و آبادانی می داند و می گوید برای این که جامعه به خرابی دچار نگردد باید عدالت در آن نهادینه شود (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۰۶) چنان که شوکت وعظمت مسلمانان در گذشته در نتیجه عدالت حاکمان و پای بندی آنان به اصول و قوانین شرعی از یکسو و اندیشه تامین رضایت پروردگار در ساخت و آبادانی زمین در میان مسلمانان بدست آمده بود. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۱۸) وی با ذکر نمونه های تاریخی، معتقد است شکوفایی اقتصادی جوامع اسلامی در سایه عدالت سیاسی محقق گردیده بود. وی قدرت نظامی مسلمانان و فتوحات بدست آمده را نیز نتیجه تامین عدالت و وحدت امت اسلامی در جامعه می داند (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۱) خیرالدین در یک جمع بندی نهایی بدنبال بحث از عدالت می گوید: توسعه عمران، اقتصاد و قدرت نظامی مسلمانان در نتیجه عدالت، وحدت کلمه، برادری و وحدت سیاسی ممالک اسلامی و هم چنین اهتمام مسلمانان به علوم، صناعات و... بوده است (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۲۲).

۴/۶. آزادی فردی - اجتماعی و پیشرفت

یکی از مباحث مهم و اساسی دیگری که تونسسی در باب پیشرفت مسلمانان و تعامل تمدنی به آن تاکید نموده مساله آزادی است. از آن جای که آزادی و نقض آزادی عموماً از سوی نظام سیاسی و حکومت رخ می نماید، تونسسی به اهتمام حاکمان به تامین آزادی تاکید نموده می گوید منشأ پیشرفت و تمدن کشورهای اروپایی آزادی بوده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۰) آزادی به معنای آزادی فردی (فطری) و آزادی سیاسی است. آزادی شخصی (در برابر عبد) به معنای آزادی انتخاب شغل و تساوی حقوقی افراد است به گونه ای که هیچگاه به خاطر انتخاب شغل جان، مال و حیثیت آنان به خطر نیافتد، که این آزادی در اغلب کشورهای اروپایی با نظارت و حمایت نظام سیاسی تامین شده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۱) آزادی سیاسی به معنای دخالت مردم در امور سیاسی پرداختن به مصالح جامعه است که رفتار برخی خلفای مسلمان نشان دهنده تامین آزادی سیاسی در جامعه اسلامی در گذشته است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۲) وی با تاکید بر آزادی های فردی در باره آزادی سیاسی می گوید احتمال دارد این آزادی هرج و مرج در جامعه را پدید آورد، اما نباید به این بهانه به اصل آزادی خدشه وارد شود، بلکه آزادی باید

برای آگاهان جامعه داده شود که در اروپا همان مجلس نواب عام و در میان مسلمانان شوری اهل حل و عقد است، هرچند که اعضای شوری تابعیت کشور مورد نظر را نداشته باشد. (تونسی، ج ۱: ۱۹۲) مباحث خیرالدین تونسسی از آزادی نشان می دهد که آزادی به معنای لیبرال غربی آن منظور وی نیست بلکه آزادی به لحاظ مفهوم، ماهیت و محدوده بسیار متفاوت از نگاه غربیان است و مخالفت یا ناسازگاری با شریعت اسلامی ندارد. به لحاظ ماهیت، آزادی مطابق خواست ذاتی و فطری بشر است، آزادی سیاسی اختصاص به آگاهان جامعه (اعضای شوری = علما و آگاهان سیاسی) یافته است اما به لحاظ محدوده آزادی در نگاه وی به این معناست که افراد جامعه از این آزادی باید در جهت کسب معارف، کسب صناعات مربوط به کشاورزی، تجارت، و دیگر کارهای فکری و بدنی که پیشرفت و تمدن را بدنبال می آورد استفاده کنند. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۹۳) خیرالدین به آزادی سیاسی آگاهان در شرایط فعلی (زمان وی) تاکید نموده اما می گوید آزادی سیاسی عمومی باید مطابق بینش و دانش جامعه فراهم گردد و ظرفیت جامعه در نظر گرفته شود که آزادی برای همه افراد جامعه باشد یا برای بخشی از افراد جامعه؟ آزادی به صورت کامل باشد یا محدود و کنترل شده؟ و این که آزادی باید همزمان با توسعه اسباب تمدن به صورت موازی فراهم گردد. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۵۱) چون وی می گوید از لازمه حفظ نظام، قدرت نظام، عمران و آبادانی مملکت، رفاه عمومی مردم به خصوص در زمان حاضر (خیرالدین) تامین آزادی براساس قانون است. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۴۰) وی می گوید دست آورد حمایت سلاطین عثمانی از اصلاحات و بهبود وضعیت دولت و مردم آن دوره به خوبی نشان داد که دولت ها باید همیشه به آزادی های قانونی و مصوبات مجلس منتخب مردم احترام بگذارد و از آن حمایت کنند. (تونسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۳۹)

۴/۷. اصلاح نظام آموزشی و پیشرفت

خیرالدین تونسسی فراگیری و گسترش دانش و فنون را از عوامل اصلی شکل گیری و برون رفت جوامع از انحطاط تمدنی می داند. به همین دلیل وی که خود شاهد فرسوده بودن نظام آموزشی تونس بود و آن را برای برون رفت جامعه تونس از عقب ماندگی کافی نمی دانست به ضرورت اصلاحات و آوردن تغییرات در نظام آموزشی تونس تاکید می ورزید، و برای سرعت بخشیدن به آوردن اصلاحات در نظام آموزشی تونس با تدوین نصاب تعلیمی و

گنجانیدن علوم جدید در برنامه های آموزشی، مدرسه صادقیه را تاسیس (۱۸۷۵م) و از معلمان عثمانی (اعلم، ۱۳۸۸)، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی برای تدریس مضامین علوم جدید، دعوت نمود. (زینب ابراهیم، ۱۴۱۰ق) در این مدرسه علاوه بر علوم دینی مواد درسی جدید: ریاضیات، فیزیک، شیمی، علوم طبیعی، تاریخ و جغرافیا تدریس می شد. (اعلم، ۱۳۸۸) این برنامه ها در زمانی اجرا گردید که آموزش در تونس در بدترین حالت قرار داشت، شاگردان ده سال یا بیشتر را می گذراندند، حتی خواندن قرآن را به خوبی یاد نمی گرفتند یا حداکثر شاگردان ممتاز، قرآن یا بعضی آن را فقط حفظ می شدند. (امین، ۱۳۶۴ق) در جامع زیتونه به عنوان مدرسه ممتاز تونس فقط تفسیر، حدیث، فقه، عقاید و علوم لغت (نحو، صرف، معانی و بیان) آنهم برای یادگیری جدل تدریس می گردید و کسانی در امتحان کامیاب و عالم به حساب می آمدند که بیشتر به جدل مسلط و اصطلاحات را حفظ کرده باشند. (امین، ۱۳۶۴ق) این در حالی بود که اروپای ها (فرانسه، ایتالیا و انگلیس) هرکدام مدارس را برای آموزش فرزندان شان در تونس ساخته بودند که نصاب درسی آنان تاریخ، جغرافیا، لغات، حساب، هندسه، جبر بوده است. (امین، ۱۳۶۴ق) بنابر این در نگاه خیرالدین تونسسی آموزش و دانش عنصر مهم پیشرفت و تمدن است که هم به لحاظ مواد درسی و هم به لحاظ دوره های آموزشی باید مطابق شرایط زمان و تغییرات علمی به روز شود و متناسب با ضرورت و مقتضیات جامعه اسلامی به عنوان پرورش دهنده اصلی کادرهای جامعه، اصلاح گردد. چه این که در نظروی یکی از عوامل پیشرفت اروپائیان در مسابقه میدان تمدن و دست یافتن آنان به اختراع و اکتشاف تمدنی به روز شدن نظام آموزشی، فراهم بودن زمینه های فراگیری معارف؛ علوم و فنون برای عموم مردم از طریق تاسیس مراکز آموزشی (مقدماتی، متوسطه، عالی) دولتی و خصوصی در رشته های مختلف دانشگاهی (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۸۱)، گسترش کتابخانه های جامع و سهولت در دسترسی به این کتابخانه ها، مطالعه و پژوهش برای بومیان و غیر بومیان به صورت یکسان بوده است. (تونسسی، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۸۶) به گونه ای که اروپائیان نه فقط کتاب بلکه خانه های مجهز به وسایل گرمایشی زمستانی نیز در کنار کتابخانه ها برای پژوهشگران، محققان و نسخه برداران ساخته بوده اند. (تونسسی، ج ۱: ۱۸۸) خیرالدین برای نشان دادن اهمیت اصلاح نظام آموزشی و پژوهش در میان اروپائیان به درجه بندی تحصیلی، تعداد دانشگاه ها و رشته های مختلف علمی، تعداد کتابخانه های جامع و سرانه کتاب به ازای هر صد نفر در

برخی شهرهای اروپا از جمله پاریس اشاره^۱ و حُسن مدیریت کتابخانه‌ها را علت اصلی توسعه مطالعات و پژوهش در میان اروپائیان می‌داند. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۸۸-۱۸۹) وی با اشاره به اهمیت نقش تعلیم در اداره و سامان یافتن مملکت راهکار مفید اروپائیان را در اجرای برنامه‌هایی دقیقی می‌دانیست که از خانه (آموزش‌های قبل از مکتب شامل اخلاق، فنون علوم و...) آغاز و در جامعه (آموزش عالی) با مطالعه اوضاع سیاسی کشورها (سفر به کشورهای دیگر)، شناخت عوامل پیشرفت و عقب ماندگی کشورها، آشنای با فرهنگ و رفتار سیاسی و مدیریتی آنان توسعه می‌یابد، تا دانشجویان بعد از فراغت و تصدی مسئولیت بتوانند به درستی وظایف شان را انجام دهند، آن چه باعث پیشرفت شده را تطبیق و آن چه باعث عقب ماندگی شده است را از میان بردارند. (تونس، ۲۰۰۰م، ج ۱: ۱۸۹)

۱. (در جلد اول صفحات ۱۸۱-۱۸۵ مراکز آموزشی و صفحات ۱۸۶-۱۸۹ کتابخانه‌ها و تعداد کتاب هرکدام به تفصیل آمده است).

نتیجه

خیرالدین تونسسی در زمانه‌ای به تحلیل و بررسی پیشرفت غریبان و عقب ماندگی مسلمانان پرداخت که جوامع اسلامی، بویژه امپراطوری عثمانی و سرزمینهای تحت اشراف آن در شمال آفریقا در نهایت تضعف اقتصادی، نظامی، سیاسی و آلوده به فساد حاکمان و دولت مردان، به عنوان خط مقدم مواجهه با تمدن جدید قدرتمند غرب قرار داشتند و سؤال اساسی چگونگی مواجهه مسلمانان با تمدن غرب بود. با وجود گذشت حدود دو قرن از آن زمان و تحولات بسیاری که در جوامع اسلامی و اروپایی پدید آمده است، به نظر می‌رسد هنوز دیدگاه‌های تونسسی قابل مطالعه است. چه این که عواملی را که تونسسی برای نجات مسلمانان و دست‌یابی به تمدن و پیشرفت، از قبیل: اصلاح نظام سیاسی، چگونگی تعامل مسلمانان با تمدن‌های دیگر، تامین عدالت، آزادی بر شمرده است از معضلات اصلی جوامع اسلامی در حال حاضر به شمار می‌آیند. از آن جهت که دو اصل عدالت و آزادی عموماً از سوی حکومت‌ها نقض می‌گردد، تونسسی به ضرورت تامین این اصول از سوی نظام سیاسی تاکید و پیشرفت اروپائیان را در عمل به این دو می‌دانست. وی اصلاح نظام سیاسی را به این دلیل محور قرار داده است که ایجاد امنیت، شوق و انگیزه و در ستکاری در میان مردم را به عمل کرد درست نظام سیاسی مرتبط می‌دانست. تونسسی با نگاهی دینی، آزادی، عدالت، تلاش و دانش‌افزایی را از مصادیق مورد تاکید دین اسلام دانسته و بر تحقق آنها در جامعه اسلامی تاکید می‌نمود. وی به تعامل تمدنی و اخذ و اقتباس از تمدن غرب معتقد بود، البته دو شرط اساسی برای این اقتباس بیان نموده است که نشان می‌دهد وی خواهان پذیرش بی‌قید و شرط تمدن غربی و تقلید کورکورانه از آن نبوده است، بلکه در صدد بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن غرب در جهت برون‌رفت جوامع اسلامی از انحطاط و عقب‌ماندگی بوده است. با این وجود دیدگاه‌های وی خالی از نقص نیست و نقدهای جدی بر بخش‌های آن وارد است که مجال مستقلى می‌طلبد.

منابع

الف. کتب:

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹)، مقدمه ابن خلدون، پروین گنا بادی، چ ۴، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، عاشور، علی، چ ۱، قم، خیام.
۳. الایجی، عبدالرحمن بن احمد (بی تا)، المواقف فی علم الکلام، بیروت (عالم الکتب)، قاهره (مکتبه المتنبی) و دمشق (مکتبه السعیدین).
۴. تونسسی، خیرالدین (۱۳۱۳ق)، اقوم المسالک فی معرفه احوال الممالک، فخرالادباء، حیدرعلی اصفهانی، (نسخه خطی)، تهران.
۵. تونسسی، خیرالدین (۲۰۰۰م)، اقوم المسالک فی معرفه احوال الممالک، شنوفی منصف، تونس، المجتمع التونسي للعلوم و الآداب و الفنون (بیت الحکمه).
۶. جمیعت، هشام (۱۳۸۱)، بحران فرهنگ اسلامی، سید غلامرضا تهامی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۷. دورانت، ویل (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، احمد آرام، چ ۲، تهران، اقبال، ج ۱.
۸. رازی، فخرالدین (بی تا)، الاربعین فی اصول الدین، محمود عبدالعزیز محمود، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. زند، علی رضا شجاعی (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن، چ ۱، تهران، نشر مرکز.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۰)، المجازات النبویه، صبحی صالح، چ ۱، قم، دارالحديث.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم (۱۹۸۳-۱۴۰۴)، المعجم الکبیر، حمدی بن عبدالمجید السلفی، چ ۲، موصل، مکتبه العلوم والحکم.
۱۲. علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، چ ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ج ۹. نوشته صادقی یکتا.
۱۳. فیرحی، داود (۱۳۸۱)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، چ ۲، تهران، نشرنی.

۱۴. قضاعی، محمد بن سلامة (۱۳۶۱)، شرح فارسی شهاب الأخبار، حسینی أرموی، جلال‌الدین، چ ۱، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ج ۸.
۱۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق)، المؤمن، قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
۱۷. لیثی، واسطی علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، حسین حسینی بیرجندی، چ ۱، قم، دارالحديث..
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، جمعی از محققان، چ ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۷۵.
۱۹. ویل دورانت (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ویرایش دوم (نسخه الکترونیکی)، چ ۶، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ب. مقالات:

۱. اعلم، عباس برومند (۱۳۸۸)، «نخستین تلاش‌ها در شمال آفریقا برای سازگاری با مدرنیته»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، شماره ۲، زمستان، ص ۱-۲۶.
۲. امین بیک، احمد (۱۳۶۴ق)، «خیرالدین باشا التونسی» الثقافة، شماره ۳۷۲، ربیع الثانی، ص ۵-۷.
۳. رنجبر، مقصود (۱۳۸۶)، «جریان شناسی اندیشه در جهان عرب، قسمت اول»، پگاه حوزه، شماره ۲۰۶، ۱۵- اردیبهشت، ص ۲۳.
۴. زینب، ابراهیم (۱۴۱۰ق)، «خیرالدین التونسی و "اقوم المسالک" للتمدن»، المنطق، شماره ۵۸، صفر، ص ۳۸-۵۳.
۵. عریس، ابراهیم (۲۰۱۴)، «اقوم المسالک» لخیرالدین: لماذا تقدم الاروبيون و تاخرنا؟» الحیات، تشرین الثانی، السبت، ۱ نو فمبر.
۶. علاء، محمد (۲۰۱۵)، «جهود الاصلاح فی المغرب الاسلامی»، الحیات الطیبه، شماره ۳۲، خریف، ص ۲۲۳-۲۴۶.

۱۰۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

۷. نیغر، مصطفیٰ ۱۴۱۳ق)، « خیرالدین التونسی: حسن الاماره ام دوله حدیثه»، الاجتهاد، شماره ۱۵ و ۱۶، ربیع و صیف، ص ۱۱-۶۲.